

متن پرسش

سلام علیکم! این مسأله از لحاظ شرعی و اخلاقی وجود دارد که حدود روابط با نا محرم در حداقل سطح ممکن باید باشد. اما می‌خواهم مقداری تفصیلی بحث کنم. مثلاً من جوان ۲۰ یا ۲۵ ساله در مهمانی‌ها مجاز هستم (البته مجاز چه به لحاظ فقهی که کف مسائل و حداقلها را بیان می‌کند چه به لحاظ اخلاقی از هر دو بعد بررسی کنید.) با دختر خاله یا دختر عموی خود که با هم هم سن و سال هستیم صحبت کنیم. آنهم نه اینکه به قول معروف گل بگوئیم و گل بشنویم یا شوخی‌های آنچنانی با هم بکنیم بلکه صحبت در حد اینکه بالاخره با هم در یکجا هستیم و چند کلمه صحبت کردن طبیعی است آنهم بیشتر در حوزه‌هایی مانند مسائل درسی و دانشگاه مثلاً اینکه از یکدیگر معدل یکدیگر را بپرسیم یا اینکه مثلاً به چه گرایشی از رشته‌ی خود علاقه مند است؟ یا سوالاتی و صحبت‌هایی از این دست. چون این مقدار صحبت کردن آنهم نه در خلوت بلکه در حضور جمع واقعا موجب تحریک شدن و یا احیانا به گناه افتادن نمی‌شود. دوم اینکه من خودم برخی اوقات با سایر دوستان در این زمینه صحبت می‌کنم برخی از آنها می‌گویند ما در مهمانی‌ها با دختران فامیل سلام و علیک می‌کنیم. حرف هم می‌زنیم. و در کل با هم راحت(راحت نه به معنای منفی اش) هستیم. اما برخی دیگرشان می‌گویند ما حتی سلامشان هم نمی‌کنیم و تنها اگر سلاممان کردند از آنجائیکه جواب سلام واجب است یک جواب ساده به آنها می‌دهیم. حال کدامیک از این دو رفتار درست است؟ البته فکر می‌کنم هیچکدام از این رفتارها از لحاظ شرعی مشکلی ندارد اما مسأله را شما اخلاقاً و از یک دید حداکثری بررسی بکنید چون فقه یک دید حداقلی و کف مسائل را بیان می‌کند. نکته‌ی بعد اینکه حتی یکی از دوستان می‌گفت من سرم در مهمانی‌ها همیشه پایین است به قسمی که یکبار در خیابان با زن برادرم(دقت کنید زن برادر نه دختر عمو و دختر خاله و ... چون روابط انسان معمولاً با زن برادرش خیلی بیشتر از روابط با دختر عمو و دختر خاله است) برخورد کردم و او را نشناختم. حال آیا این درست است(درست نه به لحاظ شرعی و نه به لحاظ اخلاقی بلکه به لحاظ اجتماعی و عکس العمل مخاطب) که انسان آنچنان سر به زیر باشد که حتی زن برادر خویش را نشناسد چون معمولاً موجب دلخوری و شاید احیانا به مسائل باریکتری مانند دعوا و یا حتی خدای نکرده به طلاق نیز بینجامد. چون این مقدار سر به زیر بودن را حتی خانواده‌های مذهبی و حزب‌اللهی نیز بر نمی‌تابند. یا برخی از دوستان می‌گفتند ما اگر دختر عمو یا دختر خاله‌ی خویش را در خیابان بینیم آنها را نمی‌شناسیم. سوال بعد در مورد سیره امیرالمومنین(ع) است که ایشان به دختران جوان سلام نمی‌کردند من از یکی از دوستان (که اتفاقاً می‌گفت با دختران فامیل حرف می‌زنم و سلام علیک می‌کنم) پرسیدم

گفت ایشان در خیابان به دختران جوان سلام نمی کردند که ما هم نمی کنیم و گرنه مثلاً در مهمانی ها قطعاً به نامحرمان سلام می کردند. آیا این جواب ایشان صحیح است؟ در مجموع از شما یک پاسخ مفصل و موردی و کلی و جامع از شما می خواهم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: وقتی در ابتدا مسئله را از نظر فقهی آن رعایت کردیم، حوزه‌ی اخلاقی آن بستگی به شرایط‌های متفاوت دارد، یک وقت می‌شود با رعایت حدود اسلامی، با آشنایان سلام علیک مفصل داشت و به قول شما از درس و امور زندگی‌شان پرسید، و یک وقت در عین احترام به آن‌ها و رعایت حقوق آن‌ها در آن حدّ که بدانند برای آن‌ها ارزش قائلید و جویای احوالشان هستید ولی سلام و علیک مفصل با آن‌ها نداشت. بنده فکر می‌کنم از حقوق افرادی مثل دخترخاله و دخترعمه آن است که آن‌ها بدانند نه تنها آن‌ها را می‌شناسید، جویای احوالشان نیز هستید. چطور می‌شود انسان همسر برادرش را در خیابان ببیند و نشناسد، این یک مورد طبیعی نیست و حقوق آن خانم رعایت نشده است، همان‌طور که اگر او نسبت به برادر شوهرش بی‌تفاوت باشد خوب نیست. آری یک وقت شرایط طوری است که ضرورت ندارد انسان راه خود را کج کند تا بخواهد توجه خاص خود را به آشنایان نشان دهد که نامحرم است، این نه تنها نیاز نیست شایسته هم هست. عمده رعایت حدود الهی است که باید در حین ارتباط با آشنایان رعایت شود. چه نیاز است که چشم افراد نامحرم حتی اگر آشنا باشند در چشم همدیگر بیفتد. خوب است که انسان نگاه گذرا داشته باشد تا فکر نکنند بی‌محلّی کرده ولی چشمش در چشم نامحرم نیفتد. بنده نمی‌دانم حضرت علی «علیه‌السلام» در میهمانی با نامحرمان آشنا شروع به سلام می‌کردند و یا نه ولی می‌دانم تماماً رعایت حدود الهی را می‌نمودند در آن حال اگر شرایط اقتضا می‌کرد جلو می‌رفتند و احوال دختر خاله‌شان را هم می‌پرسیدند که این عین اخلاق است. موفق باشید